

بسم الله الرحمن الرحيم

◇ یادداشت سردبیر

در چند سال اخیر، در برخی کتاب‌ها، مقاله‌ها، سرمقاله‌ها، و گزارش‌های بعضی سازمان‌های دولتی، ویروسی وارد شده و نوعی بیماری را شایع کرده است که می‌توان آن را بیماری "ارابه" خواند. زشت‌ترین، نادرست‌ترین، و بدآواترین کلمه‌ای که می‌توان شناخت. ماجرا مربوط به دستورالعمل‌هایی می‌شود که برای فارسی‌نویسی و شیوه‌های نگارش و رسم‌الخط پیشنهاد کرده‌اند: ننویسید "دانائی"، بنویسید "دانایی"؛ ننویسید "توانائی"، بنویسید "توانایی"، و از این قبیل. حاصل چنین دستورالعمل‌هایی که تنها با لحن امر و نهی و بدون هیچ‌گونه استدلال و ذکر چرایی عرضه می‌گردد، برای کسانی که کمتر به اندیشیدن خوگرفته‌اند تبدیل به اصلی قابل تعمیم می‌شود که مبنای آن صورت و شکل ظاهر کلمات، حروف، و آواهاست. در نتیجه، "ارائه" تبدیل به "ارابه" و "مسائل" تبدیل به "مسایل" می‌شود. غافل از اینکه هیچ شباهتی میان "ء" در این گونه کلمات و کلماتی چون "دانائی" و "مرئی" نیست. دانائی کلمه‌ای فارسی است و "ء" صورت کوتاه شده "ی" است و آوای آن نیز "ی" است. و "ء" در کلمه عربی "مرئی" همزه است که حرفی مستقل از حروف عربی است؛ و این دو دخلی به یکدیگر ندارند. برخی فارسی‌نویسان به درستی تأمل کرده‌اند که کلماتی چون دانایی و توانایی را چرا باید با علامتی شبیه همزه عربی نوشت و حال آنکه آوای آن "ی" است. همزه را می‌بایست در همان وضعیت خود نگه داشت و "ی" کوتاه شده یا شبه همزه را به "ی" تبدیل کرد. چنین شد که دانائی به دانایی تبدیل گردید. اما "هرگردی گردو نیست". هر علامتی که شکل "ء" داشته باشد "ی" کوتاه شده نیست تا آن را به آوای اصلی‌اش بازگردانیم و تبدیل به "ی" کنیم و هیأتی ناموزون و بدآوا به شکل "ارابه" بیافرینیم. "ارائه" کلمه‌ای عربی به معنای به رویت در آوردن و به نمایش گذاشتن است و آنچه به شکل همزه می‌بینیم واقعاً همزه است و باید به همان شکل حفظ شود.

برخی نویسندگان جوان که علاقه‌مندند رسم‌الخطی مقبول را در نوشته‌هایشان رعایت کنند نیز متأسفانه به پیروی از این حرکت‌های بدون مطالعه - با این فرض که لابد حکمتی و توجیه مستدلّی ورای آنچه خواننده و دیده‌اند نهفته است - آن را تقلید می‌کنند و این ویروس رفته‌رفته در

گستره وسیع‌تری نفوذ می‌یابد و زمانی که جاگیر شد، پشت سپر شناخته شده "غلط مصطلح" قرار می‌گیرد و بدین ترتیب، برای کاربرد آزادانه مجوز دریافت می‌کند. همان سپری که اجازه می‌دهد ترکیب‌های ناهنجاری چون "گاهاً" نه تنها در مطبوعات، بلکه در بیان شفاهی گویندگان یا میهمانان برخی رسانه‌های گسترده جمعی نیز به کار می‌رود.

انتظار کاربرد درست از ویراستاران به مراتب بیشتر است. وظیفه ویراستار اصلاح لغزش‌هایی است که ممکن است در کار برخی نویسندگان جوان پیدا شود. اما متأسفانه در بعضی ویراستاران - یا کسانی که به بیماری "خود ویراستار پنداری" گرفتارند - قضیه وارونه است. برخی همکاران شکوه دارند که کاری را با رعایت موازین مورد قبول در اختیار ناشر یا دفتر مجله‌ای قرار داده‌اند و شبه ویراستار آن ناشر یا مجله تغییراتی غیرمعقول در آنها داده و در پاسخ به اعتراض نیز با تکیه بر حربه "سیاست ما" از قبول وجه صحیح قضا یا ظفره رفته است. دردناک‌تر آنکه گاه این گونه خطاها مستقلاً و مستقیماً در نوشته خود ویراستاران، سر ویراستاران، یا سردبیران بروز می‌کند، که بارزترین آنها را در سرمقاله برخی نشریات می‌توان یافت. گویی همگی مصادیق "قانون ابزار" کپلن هستیم. کپلن در کتاب "آیین پژوهش" خود از قانونی به نام "قانون ابزار" یاد می‌کند و می‌گوید "چکشی را به دست کودکی بدهید، هر چه دم دستش باشد با آن می‌کوبد. چون از چکش تنها یک چیز می‌شناسد: کوبیدن".

عباس حُرّی